

پیمان

شهیدای خلق ترکمن

سرکوب و کشتار خلق ترکمن و ترورنا جوانمردانه ۴ تن از رهبرانی
شوراهای دهقانی رفقای شهیدمختوم ، توماج ، واحمدی
وجرجانی توسط هیئت حاکمه با چنان موجی از نفرت و کینه
توده ها روبروگشت که حتی جلادانی همچون خلخالی ها نیز کسه
با افتخار هرچه تمامتر سندان قتل و اعدام انقلابیون را در کردستان
امضای کردند مجبور به انکار آن گشتند .

ارتجاع در این یورش و سرکوب خود از هیچ کاری نروگذازیدند
از توپ و تانک بستن خانه ها و منازل مسکونی روستاییان گرفتند
تافرو کردن سرنیزه در بدن جوانان و تکه تکه کردن بدنشان
و از ترورنا جوانمردانه و ساواک گونه رهبران شوراهای دهقانی
و فرزندانشان دلیبر خلق ترکمن تا اعدام محصل ۱۶ ساله آنها ،
هرچه راکه نشان و بیوشی از انقلاب ، از آگاهی و از زندگی
داشت سوزاندند و نابود ساختند .

جنایات رژیم در کردستان ، خوزستان و ... بازو با زور ترکمن
محرار تکرار شد .

برای بررسی بیشتر سیر حرکت و جنبش توده ها و همچنین
نحوه برخورد رژیم از پس از قیام بدنیت که به عقب باز
گردیم و از ابتدا یعنی از زمان قیام به بعد را اندکی بررسی
نمائیم .

ترکمن محرابسیار دیر به جنبش ضد امپریالیستی توده ها
پیوست نخستین حرکات سیاسی توده ها از اوائل پانزده سال
۵۷ شروع شد ، بیشتر شعارهایی که در این تظاهرات داده می
شد تجلی خواست توده های زحمتکش خلق ترکمن بود . آنها
با بیان شعارهایی نظیر «وقوگپرک حاکم کپرک ترکمن مکتب
کپرک (کتاب ، کلاس ، درس ، نوشته ترکمن میخواستیم) و یا
ال دن گیدن پرلری قایتاریب آلماق کپرک (زمینهای غصب



شده باز پس گرفته شود) و... نشان دادند که خواهان خودمختاری می باشند و غصب اراضی فئودالهای غاصب یکسری از خواستههای اصلی و محوری دهقانان زحمتکش ترکمن می باشد. در جریان قیام قهرمانانه توده ها خلق ترکمن نیز نقش فعالی در خلق سلاح پادگانها و پاسگاههای ژاندارمری، ارتش و شهرهای برعهده داشت و در شهرهای نظیر گنبد، بندر ترکمن و آق قالا توده ها با سقوط و خلق سلاح پاسگاهها در سرنگونی رژیم منغورپهلوی نقش بارزی ایفا نمودند.

ز آنجا که در ترکمن صحرا حتی همان تقسیم اراضی فرمایشی شاه نیز انجام نگرفته و دهقانان زحمتکش ترکمن در زیر یوغ زمینداران و سرمایه دارانی همچون هژسریزدانیها و دربار پهلوی و... قرار داشتند پس از قیام و با ایجاد جونسبتا دمکراتیک از سویی و حادثه شدن تضاد میان دهقانان و اشراف آنها از سوی دیگر ما با جنبش عظیم دهقانان روبرو می گردیم. با بیخیزی روستائیان به منظور تصاحب زمینها از جنگال زمینداران غاصب شوراها و دهقانان یعنی ارگانهای قدرت توده ای بوجود می آید. همچنین خلق ترکمن که سالها در زیر سلطنت منغورپهلوی از ستم دوگانه رنج می برد اکنون با طرح خواست خودمختاری نشان می داد که دیگر حاضر نیست که تن به تبعیض ملی دهد و خواهان آن بود که خود بر سر نوشت خویش حاکم گردد. زحمتکشان ترکمن که از قبل از قیام با طرح و راهپیمایی حاظی ترکمن ترکمن مکتب ترک (کتاب، کلاس، درس، نوشته ترکمن می خواهیم) و... این خواسته خود را بیان داشته بودند اکنون نیز همچنان بر این مطلب پافشاری می فرمودند.

توده ها در شوراها و دهقانی متشکل شده اند و دولتی در منطقه دوشنبه و دیگر نیز وجود دارد یکی کمیته های امام

و دیگری ارگانهای دولت موقت.

از پس از قیام کمیته های امام که در این مناطق بوجود آمده تنها خود رهبری و کنترل تمام ادارات و پادگانها را بر عهده گرفت بلکه از دخالت ترکمنها که اکثریت جمعیت منطقه را تشکیل می دادند جلوگیری نمود. نقشبندی یکی از ملاحای مرتجع منطقه نیز که چندین روز قبل از قیام یکی از عوامل سازمان دهنده حمله جمعاقداران طرفدار قانون اساسی به اهالی شهر گنبد بود نیز همکاری و نزدیکی زیادی با کمیته امام پیدا نمود. توده هایی که با قیام خونین خود رژیم سفاک پهلوی را سرنگون ساخته بودند انتظار داشتند که همه وابستگان و مزدوران سرسپرده رژیم به سزای اعمال خیانتبار و جنایتکارانه خویش برسند در حالیکه نه تنها نقشبندی کوچکترین مجازاتی نشد بلکه با اعلام همبستگی (!!) با رژیم جمهوری اسلامی در کمال آسودگی به توطئه چینی های خود بر علیه نیروهای انقلابی و همکاری با فئودالهای محلی ادامه داد. کمیته ها به انواع و اقسام شیوه های سیاسی در ایجاد تفرقه میان افراد ترکمن و غیر ترکمن می نمودند. آنها در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی کردند. از تحقیر آداب و رسوم و به هیچ انگاشتن سنن ملی و مذهبی آنها گرفته تا دامن زدن بر اختلافات مذهبی میان ترکمن ها و افراد غیر ترکمن، تاجاچی که عملاً جبهه مبارزه اصلی را که باید تمام می دهقانان زحمتکش را در مقابل فئودالها و زمینداران و دیگر مرتجعین منطقه قرار دهد به جبهه نبردمیان ترکمن و غیر ترکمن تبدیل ساخته بودند.

دولت ضد خلقی با زرگان نیز با انتخاب شخصیت منفی ووری همانند ما در شاه می به سمت فرمانداری گنبد نیز باعث شعله ورتن

ن ساختن خشم توده های مردم بر علیه دولت بازرگان گردید. اکنون زحمتکشان ترکمن می دیدند که چگونه حاصل جانبازیها و خونبهای شهدایی که سلطنت منفور پهلوی را سرنگون ساخته بودند اینچنین بر باد رفته و مزدورانی همچون مادرشاهی ها از طرف دولت بعد از قیام دوباره در مقامات و پستهای سابق ابقا می کردند.

در کنار دولت و کمیته های امام نیروی سومی وجود دارد که ارتجاع را به وحشت انداخته و در مقابل زمینداران و مرتجعین قرار دارد.

دولت موقت همچنان که از راهیت ضد خلقی برمی آید بدلیسل آنکه نمی خواهد توده می تواند که نفوذ امپریالیسم را بر انداخته و برای ایجاد یک سیستم فارغ از وابستگی و متکی به خود نیروی لایزال توده ها را به خدمت بگیرد و آنها را در راه بنای نوینی بسیج نماید بدیهی است که وجود خود را با شوراها در تضاد می بیند. مسئله خود مختاری خلقها نیز خواستی نیست که دولت ضد خلقی بازرگان قادر به پاسخ گویی به آنها باشد. اما " خود مختاری خلقها تنها در یک جامعه مستقر و دمکراتیک یعنی در چهارچوب جمهوری دمکراتیک خلق تحقق خواهد یافت. بورژوازی حاکم از آنجا که خواهان تسلط بر بازاری ملیت های دیگری باشد بدیهی است که اصولاً نمی تواند ندبا چنین خواستی موافقت داشته باشد و دل بستن به این مطلب که در چهارچوب نظام سرمایه داری وابسته و دولتی تحت رهبری لیبرالهای مرتجع شده بتواند به این مشکل پاسخ گوید توهم بوجوبی پایه ای بیش نمی باشد.

از آنجا که وجود و نیروی طبقاتی متخاصم یکی دولت و اربابها و کارکنان سرکوبگرش نظیر ارتش و همچنین سپاه پاسداران است دولت (البته سپاه پاسداران تا قبل از اعلام

دولت و شورای انقلاب عملکردهای مستقل نیز داشت و همواره دولت دست نبود) از سوئی و شورا های دهقانان متکی به زحمتکشان ترکمن از سوی دیگر در کنار یکدیگر نمی توان برای مدت های طولانی قابل دوام باشد از همان ابتدا حمله ارتجاع بسوی شوراها برای محو براندازی همه نهادهای خلقی امری قابل پیش بینی و حتی اجتناب ناپذیر بود.

خلق و ضد خلق برای مدت های طولانی در کنار هم نمی توانست برآید و برآید و طبیعی است که دولت ضد خلقی بازرگان نیز لحظه ای از فکر محو شوراها و برقراری حاکمیت تام و تمام خود غافل نمی توانست باشد. لنین در برخورد به دولت بورژوازی و شورا های کارگران و دهقانان در فاصله فوری تا اکتبر سال ۱۹۱۷ می نویسد:

" جای کوچکترین شکی نیست که این " درآمیختگی " نمی تواند مدت مدیدی دوام یابد. وجود دو قدرت در یک کشور امکان پذیر نیست. یکی از آنها باید نابود شود و تمام بورژوازی روسیه اکنون با تمام قوا و با تمام وسائل در همه جا فعالیت می کند تا شورا های نمایندگان سر بازان و کارگران را برکنار سازد، ضعیف کند و مفری برساند و قدرت یکتای بورژوازی برچود آورد. "

با این حساب است که می بینیم از مدتی قبل از شروع جنگ تحمیلی در گنبد توطئه های نقشه ریزی شده و همواره جانبه ای بر علیه خلق ترکمن انجام می گیرد، دولت بازرگان می کوشد تا زمینه های ذهنی توده ها را بر علیه

زحمتکشان ترکمن برانگیزد و با وارونه جلوه دادن خواستهها و اهداف آنها مقدمات جنگ را فراهم نماید.

از اسفندماه به بعد تحریکاتی در میان پاسداران و تودهها در سراسر ایران و بخصوص نواحی مجاور ترکمن صحرا توسط دولت دامن زده می شود. شایعه پراکنی در جهت تحریف خواسته های خلق ترکمن و خلاف واقع نشان دادن مطالبات آنها ادامه می یابد. در روز ۱۹ اسفند مردمی که قصد تغییر نام بندر شاه سابق را به بندر ترکمن داشتند مورد هجوم مرتجعین قرار می گیرند که در جریان آن ۱۳ نفر از اهالی مجروح می گردند دولت با ایجاد تحریکات دیگری از قبیل به پرواز درآمدن فانتوم ها در ارتفاعات کم و ادامه دروغ پیر - دازی ها و دامن زدن به اختلافات ملی و مذهبی زمینه های درگیری را کاملاً مهیا می نماید تا روز ۵ فروردین که این حمله علناً آغاز می گردد. در این روز کمیته ها که از چند روز قبل با اعزام نیروهای کمکی از شهرهای اطراف کاملاً خود را تجهیز و آماده حمله به میتینگ اعلام شده از سوی کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن نموده بودند به سخنرانی مسالمت آمیز مردم یورش برده و آنها را به کلوله می بندند.

به این ترتیب نخستین حاکم تحمیلی دولت با ترکمن که با مقاومت قهرمانانه زحمتکشان ترکمن صحرا مواجه می گردد آعمار می شود. دولت کوشید تا با شایعه ورز و دروغ قرار دادن مردم ترکمن، در مقابل مردم ترکمن صحرا و با استفاده از پاسداران - ناآگاه که گویا به حاکم مزدوران امپریالیست می رفتند شوراها و دهقانان و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را نابود سازد ولی همچنانکه دیدیم این تلاشها موفق نشدند اگر چه منجر به شهادت بسیاری از فرزندان دلاور خلق ترکمن گردید ولی با شکست مواجه شد و مقاومت دایرانه خلق ترکمن صحرا خود نشان پیروزی زحمتکشان ترکمنی در مقابل جنک افروزی های دولت محسوب می گردد.

پس از این جنگ به ظاهراتش پس برقرار شده و اوضاع کم کم به حالت عادی خود بر می گردد. فعالیت شورا های دهقانی که منجر به تشکیل اتحادیه های دهقانی و ستاد مرکزی شورا های ترکمن صحرا گردید در جهت غصب اراضی فئودالها و نظارت در امر برداشت و کشت محصول ادامه می یابد همچنین به موازات آن پرورش سیاسی دهقانان و جوانان زحمتکش ترکمن صحرا نیز آغاز می گردد.

اگرچه اعتلای انقلابی و وجود بحران های اجتماعی اقتصادی که ریشه در گندیدگی و انحطاط نظام سرمایه داری وابسته دارد سبب عدم توانائی هیئت حاکمه در تثبیت خنثی بودن می گردد و اگر چه مقاومت زحمتکشان ترکمن صحرا باعث عدم محسوس این ارگانهای قدرت بوده ای می گردد ولی بدیهی است که بنا به دلایلی که در بالا ذکر شد این آرامش نسبی و موقتی بوده و تا زمانی که دو قدرت خلق و ضد خلق در کنار یکدیگر بر می برنند برخورد و درگیری میان آنها که از سوی مرتجعین بشدت دامن زده می شود محتمل می باشد. زحمتکشان ترکمن در طریقی یک

وران نسبتاً " طولانی بخصوص پس از شکست فضاخت با رژیم در -
تردستان و جنبش توده هادرسایر نقاط ایران از توطئه جنگ -
فروزیهای رژیم در امان بودند ولی طبیعی بود که ایسسن
رضع دیر یازود پایان خواهد یافت .

حمله رژیم برای سرکوب خلق ترکمن پس از روی کسار
مدن بنی صدر آغاز گردید این یورژوازی عاقلاً سیاست در یک دست
بدر دست دیگر کلوچه را برای فریب و تخمیق توده ها و سرکوب -
مبارزات آنها در پیش گرفت .

ساله اخیر رژیم به خلق ترکمن که در هنگام راهپیمایی
زحمتکشان ترکمنی به مناسبت سالگرد قیام انجام یافت
چهره از ماهیت واقعی آن بر گرفت . توده هادیدند که همان
کلوله هایی که سال پیش به هنگام خلع سلاح پادگانها سینه
آنها را دریده بود اما سال نیز پس از یکسال از نابودی سلطنت
وروی کار آمدن دولت جمهوری اسلامی با زهم بد سوی آنان
نشانه می رود .

رژیم مدتیه بود که با کنترل راههای مذهب و اعزام ارتش به
آن حدود تدارک این جنگ خونین را فراهم کرده بود . اعلامیه
سپاه پاسداران که بصراحت حمله به میتینگ ستاد فرهنگی
سیاسی خلق ترکمن را در روز ۱۹ بهمن یک روز قبل از این مراسم
اعلامی بسیار دودستگیری رهبران شوراهای ترکمن صحرا
روز قبل از این مراسم بخوبی ماهیت جنگ افروزانه رژیم
را آشکار می سازد . با زهم یار دیگر خلق ترکمن درگیر جنگ
دیگری می گردد ، جنگی که شعله هایش را مرتجعین و جنگ -
افروزان هیئت حاکمه شعله و ساخته اند . با این نیت که
ارگانهای خلق را تا برد سازند ولی خود بیش از همه در آتشش
خواهد سوخت .

سیاست بنی صدر که از سویی خود در کشتار و سرکوب خلق
ترکمن دست داشته و جنایات رژیم در ترکمن محراراً فقط
ده درصد از قاطعیت خود می داند و از طرف دیگر برای فریب
توده ها به مناظره با سازمان چریکهای فدائی خلق میپردازد
نکته قابل تعمق بسیاری است .

این باید همداری به رفقای فدائی باشد که بدام فرمیس
بنی صدر نیفتاده و در پشت ظاهر سیاستهای فریبکارانه وی -
منطق چماق و زور را تشخیص دهند . رفقای فدائی در برخورد به
بنی صدر اکنون به همان راهی رفته اند که زمانی در مورد
بازرگان بکار بستند .

سخنان اخیر بنی صدر و تاء بید صریح اعدام رهبران
خلق ترکمن باید همداری به این رفقا باشد که اینچنین
کول راه حل و شیوه های فرمستی بنی صدر را خورده و چنین
عنوان می کنند که کویا بنی صدر خواهان آزادیهای دمکراتیک
و مبارزه با امپریالیسم می باشد فقط باید صداقت خود را در عمل
خود نشان دهد .

رفقا کویا از یاد برده اند که دست بنی صدر به عنوان
رئیس جمهور کشور نیز به خون شهدای ترکمن آغشته است .
فرمیس بنی صدر را افشاء کنیم و توده ها را از توهم
نسبت به آن بر حذر داریم .

پیروزی و مبارزات دلاورانه خلق ترکمن
بر علیه امپریالیسم و ارتجاع
داخلی !
برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب
ایرانی آزاد و دمکراتیک !

بیاد رفقای رزمنده شهید، توماج
مختوم، واحدی و جرجانی را کرامی بداریم

ارتجاع و امپریالیسم که با اوگیری روزافزون مبارزان
خلقها، کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان رنجدهده میهن
مالرزه برپیکرش افتاده است و ناقوس مرگ قریب خود را در سرود
رزم رهایی خلقها می شنود اکنون دیوانه وارد فکر چاره ای -
برای نجات خود به تلاشهای مذبحخانه اش ادامه می دهد.

اکنون که هیئت حاکمه ضد خلقی در گرداب بحران عظیم
سیاسی و اقتصادی ناشی از گنبدیسی سیستم سرمایه داری وابسته
از یکطرف و گسترش اعتلای انقلابی جامعه از طرف دیگر، دست
ویا می زند برای ایفای حاکمیت خود، بناچار و بنا بر ما هیئت
خود سرکوب خلقها و زحمتکشان و در نتیجه کشتار وحشیانه خلقها
را در دستور خود قرار می دهد. یکبار با ژست افعیان کرسنه
برای یورش و سرکوب چنبره زده ما طعمه آنقدر با ابهت و گران بود
که کلوش را در آغاز زلمیدن سخت مجروح ساخت و ناگزیر عقب
نشست تا خود را برای تهاجم بعدی آماده سازد. آری خلق دلاور -
کرد در یورش اولیه، رژیم درس خوبی به وی داد.

و اما امروز در آستانه آخرین تلاشها برای رسمیت بخشیدن
و تثبیت قانونی خود یعنی انتخابات مجلس شورای ملی به انواع
و اقسام تحریکات و جنگ افروزیها دست بازیده است تا امکان
راهیابی نمایندگان واقعی خلقها و بخصوص نمایندگان خلقهای
تحت ستم کرد و ترکمن صحرا به مجلس را از آنها سلب کند.
زیرا خوبی برای این حقیقت آگاه است که چنانچه انقلابیون
و نمایندگان حقیقی خلقها به پارلمان راه یابند آنها نه
برای چانه زدن بر سر این گوشه و آن گوشه قوانین حافظ
نظام سرمایه داری وابسته، بلکه برای افشاکری جنایات

سراسران جلادان خلقهای کرد و ترکمن و عرب و ... و -
برای رساندن فریاد مبارزه، جویانه این خلقها بر علیه
امپریالیسم و ارتجاع و حامیان آنهاست که در مبارزه انتخاباتی
تنی شرکت می کنند. باید هر چه زودتر کردستان و ترکمن صحرا
را به آشوب بکشانند تا بیانه ای برای عدم شرکت خلقهای
کرد و ترکمن در انتخابات بدست آید. چنین است که ارتجاع
توطئه های شوم خود را در این خطه از میهن و با استکا، به زمین -
اران و فتودالهای محلی با ردیگر به اجرامی گذارد. رسیدن،
زندانی کردن و سپس اعدام و حسیانه و نا جوان مردانه، چهار
تن از رهبران شورا های دهقانی خلق ترکمن صحرا یکی از فجع -
ترین جنایاتی است که عمال رژیم در آستانه، انتخابات -
مجلس عملی ساختند، تا به خیال خام خود تشکیل انقلابی
دهقانان زحمتکش ترکمن را بر علیه زمینداران بزرگ و مرتجعین
محلی و رژیم حامی آنها زهم بپاشند و دستاوردهای یکساله،
زحمتکشان ترکمن را که همانا تشکیل، آگاهی و مصادر زمینهای
اربابان خونخواری باشد از آنها باستانند.

چهار فرزند شهید خلق دلاور ترکمن، گلهای سرخی هستند

بر گلزاران دهها هزار شهید خلق که نامشان در تاریخ مبارزات
خلقهای ایران و بخصوص در تاریخ مبارزات دهقانی این مرز و بوم
برای همیشه ثبت خواهد شد. رفقای شهید توماج، مختوم،
واحدی و جرجانی در راه رهایی زحمتکشان جان خود را فدا کردند
و حماسه ای نو آفریدند از تلاش پیگیر و مبارزه انقلابی بر علیه
امپریالیسم و ارتجاع.

گذری کوتاه برزندگی جهار دلاور شهید خلق ترکمن

۱- رفیق شهید شیرمحمد در خشنده توماچ :

رفیق توماچ یکی از اعضا، مسئول سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود. وی بعد از قیام خونین بهمن ماه عهده داری مسئولیت روابط عمومی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا را گردید. انتخاب این رفیق رزمنده از سوی دهقانان زحمتکش ترکمن نشانگر اعتماد عمیق آنها به وی بود. توماچ کد خود در روستای لیجد سالمان متولد شده بود در میان دهقانان محبوبیت عظیمی داشت و رابطهٔ بی‌شائبه و محکم او با دهقانان باعث شده بود که در حل کلیه مسائل و مشکلات روزمره آنها دلسوزانه شرکت می‌کرد.

زندگی رفیق تماما " وقف مبارزه دهقانان منطفه بود و با جان و دل در امر سازماندهی و بردن آگاهی به میان دهقانان می‌کوشید. کارنامهٔ پرافتخار توماچ در مدت مسئولیت وی در " ستاد " بیانگرتلاش‌شانه روزی و خستگی ناپذیر این رفیق دلاور بود. یادش گرامی و راهش استوار باد.

۲- رفیق شهید عبدالحکیم مختوم :

رفیق مختوم نیز از اعضا، مسئول سازمان چریکهای فدائی خلق در ترکمن صحرا بود. از آنجا که این رفیق از میان زحمتکش سرخاسته بود و پدرش کارگرومادرش علاوه بر کارخانه بی‌سود قالیبافی نیز می‌پرداخت. لذا عبدالحکیم از کودکی با زندگی زحمتکشان آشنا بود و خود مستقیماً " مشقات زندگی آنها را احساس کرده و با آنها بزرگ شده بود. همین امر مهمترین سرچشمه احساسات عمیق رفیق مختوم نسبت به زحمتکشان و شور و شوق انقلابی و کینه و نفرت عمیق طبقاتی بر علیه چپاولگران و استثمارگران بود. بطوریکه از همان آغاز زندگی اجتماعی

وی به مبارزه بر علیه نظام موجود و بر علیه زمینداران و سرما - به داران بزرگ گشایده شد. رفیق مختوم پس از طی تحصیلات دبیرستانی خود در کینده معلمی در روستاهای اطراف زادگاهش برداخت و از همین طریق توانست با دهقانان زحمتکش رابطهٔ عمیق برقرار سازد و در میان رزبان آنان شرکت جوید و در میان آنان محبوبیت فراوانی کسب نمود. رفیق عبدالحکیم مختوم با کوشش بی‌شائبه در کانون فرهنگی و سیاسی جنبش ترکمن صحرا در مرکز شوراهای ترکمن صحرا به فعالیت پرداخت و با ایجاد در راه رهایی زحمتکشان جان خود را تقدیم انقلاب خونین خلقهای ایران کرده و با خود را در ردیف شهدای پرافتخار خلق ترکمن و سایر خلقها ثبت کرد.

۳- رفیق شهید حسین جرجانی :

رفیق جرجانی، عضو سازمان چریکهای فدایی خلق بود که از طریق عضویت در شورای دهقانی روستای تاتار و سپس به عنوان نمایندهٔ اتحادیه تاتار علیاد را اتحادیه سراسری شوراهای روستایی ترکمن صحرا، خدمات ارزنده ای به مبارزات دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا بر علیه زمینداران و سرمایهداران بزرگ انجام داد.

رفیق در راه سازماندهی مبارزات روستاییان رنجیدهٔ ترکمن و آگاهی بخشیدن به آنان با شرکت مستقیم خود در رفتن این مبارزات، نهایتاً " جان خود را نیز فدا نمود و با شهادت پرافتخار خود، برگی دیگر به صفحات خونین مبارزات دهقانی ایران افزود. یادش جاودان باد.

۴- رفیق شهید آواق محمد واحدی :

رفیق واحدی مدتی در دانشکده حقوق تفائی دانشگاه تهران (از سال ۱۳۴۷) به تحصیل اشتغال داشت و در دوران دانشجویی

خودیکی از فعالترین عناصر مبارز و از گردانندگان مبارزات -
صنفی - سیاسی و فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه بود. نقشش
فعال وی در اعتصابات کرانی بلیط اتوبوسهای شرکت واحد
از جمله فعالیت‌های سیاسی رفیق در دوران دانشجویی قابل
ذکر است.

در جریان دستگیری‌های وحشیانه رژیم در سال ۱۳۵۰، رفیق واحد
نیز به جرم شرکت در فعالیت‌های سیاسی بازداشت و به زندان -
افتاد. در زندان نیز همچنان مظهر مبارزه و مقاومت بود. پس از
رهایی از زندان رفیق مجدداً به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه
داد. بخاطر سابقه، مبارزاتی رژیم شاه برای تنبیه وی
محل خدمت نظام وظیفه اش را به بیرجند منتقل نمود. رفیق واحد
که در دادگستری بندر عباس خدمت من کرد با وقوع حادثه سیل
در کنبدیه آنجا رفت و از آن پس فعالانه در مبارزات دهقانان -
ترکمن با فئودال‌های بزرگ شرکت جست. تا جایی که بالاخره
با اکثریت آراء برای عضویت شورای شهر انتخاب شد و بعد از مدت
کوتاهی ریاست این شورانیز به عهده وی گذارده شد. رفیق
از طریق فعالیت گسترده خود در شورای شهر و نیز شرکت فعال
در جهت تاء سیس شوراها دهقانی ترکمن صحرا، کمک‌های فراوانی
به خلق ترکمن و مبارزات فداکارانه، ضد فئودالی آنها
نمود. تا آنکه ارتجاع تحملش به سر رسید و توطئه قتل رفیق
واحدی را نیز بتوان یکی از طعمه‌های خود طرحریزی کرده و همراه
سه دلاوردیک سر در جریان اجزای یک نقشه

جنایتکارانه به شهیدان رسانید.

درود به همه شهدای بخون خفته خلق!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

بر سر راه دیکتاتور و مکران‌ها، خلق!